

۴. حرمت خوردن مال ایتام، کم فروشی و تجاوز در کیل و وزن در انجام معاملات اقتصادی و در سطح جامعه: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ...﴾ (انعام/ ۱۵۲) و ﴿وَيْدُلْ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى الْفَاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزَنُوا لَهُمْ يُحْسِرُونَ﴾ (مطففين/ ۱-۳).

۲-۶-۲. آشنایی با خصوصیات اخلاقی و دینی گروه مؤمنان

۱. مؤمنان اهل احسان به والدین و مراعات حقوق آنها هستند: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ (لقمان/ ۱۴). ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...﴾ (احقاف/ ۱۵) و ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (عنكبوت/ ۸).
۲. مؤمنان اهل اقامه نماز، صبر بر مصیبت، امر به معروف و نهی از منکرند: ﴿يَا بَنِي آدَمَ اصْلُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان/ ۱۷).
۳. مؤمنان رویگردان از دیگران نیستند و در راه رفتن تکبر نمی‌کنند: ﴿وَلَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلْفَاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (لقمان/ ۱۸).
۴. مؤمنان در راه رفتن اعتدال دارند و صدایشان پایین است: ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (لقمان/ ۱۹).
۵. مؤمنان بر خدا توکل دارند: ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (شوری/ ۳۶) و ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ * وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (ابراهیم/ ۱۱-۱۲).
۶. مؤمنان از اعمال زشت و گناهان بزرگ اجتناب می‌کنند و چشم خود را فرو می‌برند: ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَإِِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ (شوری/ ۳۷).
۷. مؤمنان در کنار اقامه نماز از استجاب دعوت خدا، انفاق از روزی‌ها، یار طلبی در مقابل ظلم و مشورت در امور بهره‌مندند: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ (شوری/ ۳۹-۴۰).
۸. مؤمنان دفع بدی به نیکی می‌کنند: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت/ ۳۴).
۹. مؤمنان اهل تذکر دادن به دیگرانند: ﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (ذاریات/ ۵۵).

۲-۷. شاخص همبستگی اجتماعی

از مظاهر حاکمیت اخلاق الهی در جامعه، تجلی همبستگی و تعاون اجتماعی است که گویای حس مسئولیت بالا نسبت به دیگران، به خصوص دستگیری از افرادی است که بیشتر به کمک نیازمندند و حمایت از آنها معیاری بر شعور اجتماعی و همدردی مسالمت‌آمیز همراه با عزت نفس و احترام شایسته متقابل است.

۲-۷-۱. مفهوم همبستگی اجتماعی

در تحلیل بسیاری از اندیشمندان، جامعه به عنوان یک واقعیت متشکل از نهادهای مختلف اجتماعی، دارای مشترکات و محورهای مختلفی است. مهم‌ترین آنها، زبان، نژاد و سرزمین است که در هر جامعه‌ای ممکن است نقش هر کدام در وحدت و انسجام آن جامعه متفاوت باشد، لکن آنچه در این تحلیل تأمل برانگیز است، این است که عامل یاد شده چه بسا بستر فراوان نابرابری‌ها و جنگ و خونریزی باشند. درگیری‌های تاریخی قبیله‌ای و نژادی در طول تاریخ گواه خوبی بر این مدعاست؛ لذا به نظر می‌رسد برای حفظ آرامش و جلوگیری از هر گونه اختلاف، جامعه بشری نیازمند عاملی قوی‌تر و فراتر از چاره‌اندیشی بشری است تا منافع همه شهروندان را تأمین نماید. از دیدگاه قرآن کریم، راز این سلامت و تأمین نیاز واقعی را در حقیقتی به نام دین باید یافت. در لابلای فرامین قرآن کریم دلایل روشن و آشکاری به طور مستقیم و غیرمستقیم بر این حقیقت وجود دارد که به عنوان دومین شاخص کلان اجتماعی پیشرفت در ذیل به آنها می‌پردازیم.

۲-۷-۲. مبانی همبستگی در قرآن

الف) اصرار قرآن بر این است که خدا را در جمع و با جمع بخوانید. در این خصوص، توجه به محتوای سوره حمد پرده از این حقیقت بر می‌دارد؛ آنجا که پس از حمد خداوند و بیان برخی ویژگی‌های او می‌فرماید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ (حمد / ۵-۷). در این بخش آیات، اولاً ضمائر همه جمع‌اند؛ ثانیاً محتوای تعابیر جمع حاکی از بعدی از ابعاد دین یعنی عبادت خدا دارد و ثالثاً همین لحن جمع، بیانگر مسیر صحیح و درست آن جمع بزرگ و پرهیز از راه‌هایی است که جز از طریق بیان الهی پیموده شده و سرگذشتی جز ضلالت و شمول غضب الهی در پی ندارد.

ب) قرآن بر همزیستی بر اساس ایمان و تمسک به ریسمان الهی تأکید دارد: ﴿يَا أَيُّهَا
 الْغَاسُّ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
 أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/ ۱۳) و ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا
 نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا
 حَفْرَةٍ مِنَ الْعَارِ فَأَتَقَدَّكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)،
 همان‌طور که خدا و توحید را در جایی دیگر محور همه ادیان آسمانی دانسته و از پیروان آنها
 می‌خواهد تا همبستگی و یکپارچگی خود را در سایه توحید حفظ نمایند: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ
 تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَخُذَ بَعْضُنَا
 بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/ ۶۴). به علاوه، باید به
 نتیجه این همدلی در حول توحید توجه کرد که قرآن کریم در مورد مسلمانان از آن با برادری
 و عقد اخوت یاد می‌کند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات/ ۱۰)، یعنی مفهومی که خانواده بزرگ مسلمانان در تمام جهان را شامل
 می‌شود و تمامی آنها را زیر چتری واحد به عنوان یک واحد منسجم معرفی می‌نماید.

در حقیقت، قرآن کریم در عرصه ارتباطات بین فردی و در گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی،
 همه انسان‌ها را به قلمروهای فرا فردی دعوت کرده، از این طریق وابستگی و همبستگی اجتماعی
 آنها را تقویت می‌کند؛ از این‌رو، وقتی جامعه دچار بحران‌های شدید می‌گردد، عواطف مذهبی
 می‌تواند آن را پشتیبانی کند و احساسات و معنویت اجتماعی را تقویت نماید (رشدی تبریزی، کارکرد
 دین، ۱۳۸۶: ۲۳۴). در واقع، دین به عنوان عاملی ایمان بخش از طریق تقوا و متن دین، جامعه را
 مصونیت می‌بخشد: ﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
 وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ (عنکبوت/ ۴۵).

ج) تأکید بر انجام واجباتی که دارای ابعاد نمادین و شعائری و تجلیگاه حضور جمعی و
 توده‌ای مؤمنان است: مانند حضور هر جمعه در نماز جمعه به عنوان نمادی‌ترین واجب الهی:
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ
 خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (جمعه/ ۹) و تأکید و سفارش بر انجام مناسک حج: ﴿جَعَلَ اللَّهُ
 الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَاللَّهْدَىٰ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (مائده/ ۹۸) و ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ
 بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ...﴾ (آل عمران/ ۹۶-۹۷).

۸-۲. همبستگی جامعه مؤمنان، آغازین حرکت اجتماعی

به طور قطع، انسجام و همبستگی مردم مؤمن در جامعه مکی، نقطه عطفی است که ضمن فراهم ساختن زمینه نصرت الهی هم ضامن حفظ نیروها و افراد است و هم لیبیک به دعوت همه انبیاء: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾ (شوری / ۱۳-۱۴)؛ چرا که غیر از آن، خسران و عدم پیشرفت خواهد بود: ﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ﴾ (شوری / ۴۴) و از طرفی، تبدیل شدن به دژی مستحکم که در مقابل هرگونه نفوذ بیگانگان چون سدّی آهنین ایستاده، مجال تبعیت از آنها را نخواهد داد: ﴿فَلِذَلِكَ قَادَعُ وَأَسْتَقِمَ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ (شوری / ۱۵).

۹-۲. فطرت و تمسک به قرآن: عامل استمرار همبستگی اجتماعی

یکی از ابعاد شاخص همبستگی اجتماعی، توجه دادن مردم مکه به فطرت الهی است که بر خداشناسی و خداگرایی استوار است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ الْعَالَمَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِن كَرَّ الْعَالَمُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم / ۳۰). نکته دوم که در راستای این شاخص کلیدی مورد توجه است، دعوت به بهره‌گیری از قرآن به عنوان منشور وحدت بخش جامعه در حال پیشرفت است: ﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ (زخرف / ۴۳-۴۴).

۱۰-۲. همبستگی دینی: محور وحدت اجتماعی

نوع وحدتی که قرآن به آن دعوت می‌کند، از نوع وحدت و همبستگی بر محور دین است: ﴿وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ قَوْلُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (روم / ۳۱-۳۲) و ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ * فَتَقَطِعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ (مؤمنون / ۵۲-۵۳) همان‌گونه که دین‌شناسان و متولیان اجرای آن محور دیگری از این نوع وحدت و هماهنگی است و ضمن تبعیت از آنها باید آنها را دوست داشت و حقوقشان را مراعات نمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری / ۲۳).

۲-۱. مؤلفه‌های رفتاری تحقق همبستگی اجتماعی

در یک جمع‌بندی کلی، عناصری که در فعالیت‌های اجتماعی افراد به عنوان مؤلفه رخداد این همبستگی مورد نظر قرآن است، به قرار ذیل است:

الف: توجه به ایتم

در آیات آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توجه به ایتم اولین ضرورتی است که در جریان روابط اجتماعی در جامعه مؤمنان مطرح شده و به طور مکرر به آن پرداخته شده است. این امر از معیارهایی است که قصد تحقق و مراقبت بر این اصل اجتماعی را از اهداف قرآن قرار می‌دهد. شاید به این دلیل که این گروه از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند و مراقبت از آنها و استدامت بر این مراقبت که در مراحل آینده رشد جامعه بر آن تکیه کرده است، نمادی از انسجام و حس مسئولیت‌پذیری همگانی تلقی شده است: ﴿كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ﴾ (فجر/ ۱۷)، ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ (ضحی/ ۶)، ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ (ضحی/ ۹)، ﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾ (ماعون/ ۲)، ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ (بلد/ ۱۵) و ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء/ ۳۴).

ب) توجه به مساکین و ضعیفان و نزدیکان

از سوی دیگر توجه به مسکینان و ضعیف نوازی و برانگیختن دیگران به اطعام مساکین و عدم جمع بیهوده مال، ویژگی مهم دیگر در این خصوص است. قرآن در خصوص ویژگی کسانی که در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستند و او را تمکین نمی‌کنند، می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحَاضِرُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ * وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لِيمًا﴾ (فجر/ ۱۸-۱۹)، ﴿وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ * قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ (ماعون/ ۳-۷) و از شخص ایشان می‌خواهد تا سائل را رد نکند، ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ (ضحی/ ۱۰؛ نیز، ر.ک: قیامت/ ۳۲؛ بلد/ ۱۴-۱۷ و اسراء/ ۲۷).

ج) توجه اکید به برخی آداب و اخلاق اجتماعی و دوری از محرّمات

- صبر، دفع بدی‌ها به خوبی و انفاق به دیگران: ﴿أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ يَمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (قصص/ ۵۳).

- دوری از لغو و اظهار سلام حتی به افراد ناآگاه: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ (قصص/ ۵۵).

- احسان به پدر و مادر ﴿وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا يَبْلُغَ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (اسراء/ ۲۳-۲۴).

- تاکید بر ترک محرمات بزرگ مانند زنا: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/ ۳۲) و قتل نفس: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ (اسراء/ ۳۳).

۲-۳. شاخص امنیت اجتماعی

۲-۳-۱. هویت یابی مؤمنان مبنای امنیت اجتماعی

اولین و مهم‌ترین گام‌های اساسی در جامعه مؤمنان که در حال قوت و استغلاظ است، شناسایی گروه‌بندی‌ها و جریان‌های اعتقادی اجتماعی و احیاناً با رویکردهای سیاسی است. این امر می‌تواند مرزبندی مشخصی را در اختیار افراد مؤمن و پیرو جامعه قرار دهد و در جریان پیشرفت، مسیر آنها را از هم اکنون با مسیر دیگران متمایز سازد، به ویژه گروه اهل نفاق که به دلیل ویژگی منافقانه شناخت آنها از دسته کفار مشکل و مقابله با آنها سخت‌تر است.

۲-۳-۲. شناخت دسته مؤمنان و اهل تقوای مدینه

قرآن کریم در نخستین آیات مدنی به معرفی بیشتر آن گروه از مؤمنان پرداخته است که جامعه نهایی مدینه نظر پیامبر ﷺ تا پایان به این لقب مزین گردید. این گروه در یک مرحله، در آیات ۳ و ۴ سوره بقره با خصوصیات زیر معرفی شدند:

الف) مؤمن به غیب‌اند: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾؛

ب) اهل اقامه نماز و انفاق‌اند: ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾؛

ج) مؤمن به قرآن، کتب و انبیاء سلف‌اند: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾؛

د) اهل یقین به قیامت‌اند: ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾.

در توجه دادن به ویژگی ایمان به کتب انبیای پیشین، این نکته جالب توجه است که اساساً بخش قابل ملاحظه‌ای از اهالی و اطراف مدینه را اهل کتاب تشکیل می‌دادند.

مؤمنان مدینه نیز بایستی موضع قرآن را در خصوص این افراد به روشنی در می‌یافتند تا عاملی دیگر برای احساس آرامش و امنیت در جامعه نوپدید مدینه از این طریق رقم می‌خورد. قرآن محوریت این ایمان را چنین بیان نموده است: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالْعَبِيدِ...﴾ (بقره/ ۱۷۷). در ادامه همین آیه بر بخش‌های مهم و کلی رفتار اهل ایمان و در نهایت بر توصیف آنها به اهل تقوا تأکید شده است. در آخرین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ چهره آنها در قالب دسته بندی اعراب منطقه، معرفی مجدد شده است که خود دلیلی دیگر است بر اینکه جامعه صدر اسلام با این گروه بندی مواجه بوده است: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَخْتَدُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا أَنهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه/ ۹۸).

۳-۳-۲. دشمن شناسی

قرآن پس از معرفی گروه مؤمنان به معرفی و ویژگی دسته کفار اعم از بی‌دینان، بت پرستان و اهل کتاب غیر همراه می‌پردازد (بقره/ ۷۶) و آنها را با خصوصیات ذیل به اهل ایمان معرفی می‌کند:

الف) دشمنان، کافرند و ایمان نمی‌آورند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾
 ب) چشم و دل آنها بسته است و اهل عذاب‌اند: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

همچنان که در آخرین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ چهره آنها همچون مؤمنان در قالب دسته بندی اعراب منطقه، معرفی مجدد شده و گروهی از اعراب را در کفر مصر دانسته است: ﴿الْأَعْرَابُ أَشَدَّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/ ۹۶).

طبیعی است که با این گونه معرفی جامعه مؤمن، نه به آنها دل می‌بندد و نه به اصلاح و ایمان آنها امید دارد؛ در نتیجه، انتظار کار مفید و ارزشی از آنها برای جامعه تصور نمی‌شود.

ج) دشمن‌شناسی و معرفی گروه نفاق در مدینه

سومین دسته از گروه‌های موجود در جامعه صدر اسلام، متولیان جریان نفاق هستند که در نام، نه مؤمن‌اند و نه کافر، لکن در عمل کافرند. اینان دمدمی مزاج‌هایی هستند که در عمل گروه کافر را مساعدت و حمایت می‌کنند.

۱- در ظاهر ادعای ایمان می‌کنند، ولی مؤمن نیستند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَالِئِئِمَّ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/ ۸).

۲- اهل خدعه‌اند: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ (بقره/ ۹)؛

۳- دلشان مریض است: ﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (بقره/ ۱۰)؛

۴- عهدشکن و قاطع رحم‌اند: ﴿الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنَ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ﴾ (بقره/ ۲۷)؛

۵- اهل فساد در زمین‌اند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ * أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ﴾ (بقره/ ۱۱-۱۲).

۶- مؤمنین را سفیه و نادان قلمداد می‌دانند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۱۳)؛

۷- اهل استهزای مؤمنان‌اند: ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ * اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدَّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (بقره/ ۱۴-۱۵).

بنابراین با توجه به این خصوصیات است که این گروه اهل نجات نخواهند بود: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَاةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (بقره/ ۱۶).
شایان یادآوری است که معرفی مبسوط‌تر این گروه در آیات ۴۰-۱۲۰ بقره و سوره منافقون بیان شده است.

الف. مقابله سخت با کفار

با مراجعه به قرآن با توجه به شناخت گروه‌هایی که در بالا به آنان اشاره گردید و تعیین خط و مرزی که قرآن کریم در خصوص گروه مخالف و ناسازگار با اسلام ترسیم کرده است، یکی از اقدامات اساسی پیامبر ﷺ در مقابل ناسازگاری‌های آنان مقابله جدی مسلمانان با آنهاست؛ لذا در سوره بقره ضمن واجب کردن قتال و جنگ با مخالفان و برهم زندگان نظم جامعه مؤمنان (بقره / ۱۹۱-۱۹۲ و ۲۱۷) در سوره انفال به مجاهده و قتال با آنها اصرار دارد (انفال / ۱۶-۱۷) تا ریشه فتنه و ناامنی از بین برود: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال / ۳۹) و از پیامبر هم می‌خواهد تا مؤمنان را بر قتال با آنان تحریک کند و آنان را با تجهیز لازم جهت مقابله رو در رو آماده سازد: ﴿يَا أَيُّهَا الْعَبِئُ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال / ۶۵). از نظر قرآن، لازمه این اثر گذاری اولاً پایداری در مقابله با آنها و خسته نشدن از جنگ با آنهاست: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلِبْهَا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لِّمَلِكِكُمْ تَقْلِحُونَ﴾ (انفال / ۴۵). ثانیاً آمادگی در حد توان در برابر آنها و به تعبیر امروزی به لحاظ سخت افزاری و نرم افزاری در مقابل آنها مجهز شدن است: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال / ۶۰). ثالثاً مؤمنان باید این باور را داشته باشند که خدا آنها را کفایت می‌کند و نگرانی جایی ندارد: ﴿يَا أَيُّهَا الْعَبِئُ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انفال / ۶۴) همچنان که در این راه نباید سستی کرد و برگ برنده را از دست داد؛ چرا که مؤمنان بالاترند و قدرت و قوت آنان بیشتر است: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران / ۱۳۹)؛ چرا که این سیره حیات طیبه انبیاى سلف است که همیشه عده کثیری از علاقه‌مندان و اهل تقوا و رستگاری در رکاب آنها با کفار و مخالفان به مقابله برخاسته، احساس ضعف نکردند: ﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۶) و قطعاً سستی باعث تفرقه و نزاع و نهایتاً کاهش قدرت جامعه در حال رشد خواهد شد. ﴿حَتَّى إِذَا فَسِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران / ۱۵۲).

ب) تلاش کفار بر سرپرستی جامعه مؤمنان؛ علت اصلی مقابله با کفار

براساس نگاه قرآن کریم آنچه در این دوران به مسلمانان و جامعه در حال پیشرفت یادآوری شده است، این است که اولاً به هیچ وجه کافران را سرور و آقای خود قرار ندهند و رهبری اقدامات اجتماعی - سیاسی خود را به دست آنان نسپارند، بلکه خود مؤمنان باید این وظیفه را در دست گیرند. سوره آل عمران بخشی از دلایلی را که نباید کافران اولیای مؤمنان باشند، به خوبی ترسیم کرده است: ﴿لَا يَعْخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (آل عمران / ۲۸)، ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ يَأْتِكُمْ حَتَّى تَتَّبِعُوا آبَاءَكُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ... قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ تَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوْجًا... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا قَرِيبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران / ۹۸-۱۰۲ و نیز رک: آل عمران / ۱۱۹؛ ممتحنه / ۲ و ۱۴؛ احزاب / ۳ و مائده / ۵۲ و ۵۸). هم چنین قرآن به طور ویژه‌ای در باره تبعیت از یهود و نصاری و پذیرش سرپرستی آنها به دلیل تلاش در منحرف ساختن افکار جامعه مؤمن و برگرداندن آنها از اسلام و عدم مقابله با منکرات به عنوان عوامل فروپاشی نظام اجتماعی مسلمانان، تأکید جدی دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَرِيئَتِكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده / ۵۴)، ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَلْبَيْسَ مَا كَانُوا بِصَانِعُونَ﴾ (مائده / ۶۳) و ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده / ۷۹). یکی از دلایل این بی‌توجهی و مخالفت این است که اهل کتاب، کفار را آقا و سرپرست خود گرفتند: ﴿وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَا أَتَوْا بِاللَّهِ مَا أَتَوْا بِهِمْ وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ * لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ الْعَاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...﴾ (مائده / ۸۱-۸۲). یکی از استراتژی‌های پیامبر ﷺ جهت تقویت مؤمنان و روشنگری واقع بینانه در خصوص کفار و مشرکان، اعلان برائت رسمی در ادامه ساختن جامعه ایمانی است که در آغاز آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ آمده است: ﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...﴾ (توبه / ۱-۳). نیز نظر قرآن بر این است که جامعه مؤمن نباید از کفر، اگرچه در خانه مؤمن است، تبعیت داشته باشد (توبه / ۲۳-۲۴) و بر مجاهده و قتال

با آنان در هر کوی و برزن تأکید دارد تا ضمن مقابله رسمی، ترس نهایی را در دل کفار اندازد تا هوس مقابله با اسلام نوپا از سر آنان بیرون رود و در نهایت با حذف فیزیکی یا اجبار به مهاجرت یا تمکین قوانین اجتماعی جامعه مؤمن، سلامت جامعه را تضمین نماید: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (توبه/ ۲۹). با این کار کفار غلظت و قوت را در مؤمنان می‌بینند و جرأت اقدام در برابر مؤمنان را پیدا نخواهند کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه/ ۱۲۳). در کنار کفار، منافقان نیز همین خصوصیات را دارند که برخورد با آنها نیاز به مراقبت و دقت بیشتر و از طرفی زیرکی و ذکاوت خاصی دارد (توبه/ ۶۷-۶۸ و ۱۰۱). آنچه در این باره مهم است و مدام به جریان شکل‌گیری و عاملان جامعه مؤمن تذکر داده می‌شود، عدم غفلت از یاد خدا و نگاه توحیدی است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوا بُكْرَةً وَأَصِيلًا * هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ (احزاب/ ۴۱-۴۳).

۵-۳-۲. عوامل ایجاد امنیت

الف) وحدت در جهت قبله عبادت

تعیین جهت عبادت اهل ایمان به عنوان نماد تمایز با دیگران گامی مهم پس از معرفی گروه‌هاست: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ... رَبَّنَا قَبَلْ مَعَاذَكَ أُنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/ ۱۲۵-۱۲۷)، همچنان که عامل تمایز کسانی است که از پیامبر ﷺ تبعیت می‌کنند و کسانی که بنا ندارند در این دایره وارد شوند: ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (بقره/ ۱۴۴)، ﴿وَمَن حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِمْ عِمَّتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۰) و ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَأْنِ اللَّهِ فَمَن حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۱۵۸).

ب) عدم تفرقه در دین و پذیرش اسلام

نکته مهم دیگر در حفظ حدود امنیت، عامل وحدت دینی و عدم ایجاد تفرقه در آن و اعلان اتصال رسمی جامعه مؤمن به دین حنیف است: ﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...﴾ (بقره/ ۱۳۵-۱۳۷)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره/ ۲۰۸)، ﴿كَانَ الْعَاسِ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ الْغَبِيثِينَ مَبْشُرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ الْعَاسِ فِيمَا ائْتَلَفُوا فِيهِ...﴾ (بقره/ ۲۱۳) و ﴿فَإِنْ حَاجَّكَ قَوْمٌ فَأَسْلَمَتْ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنْ أَتبعِينَ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران/ ۲۰). در کنار این اعلان رسمی دعوت از اهل کتاب به این شعار وحدت بخش از اقدامات مهم قرآن کریم است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...﴾ (آل عمران/ ۶۴)، ﴿قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالْمُتَّبِعُونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تَفْرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ...﴾ (آل عمران/ ۸۴-۸۵) و ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ (آل عمران/ ۱۰۳).

ج) دوری و ترک محرّمات

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَاللَّحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَآغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (انعام/ ۱۷۳) و ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَدْلَوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ الْعَاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۱۸۸).

د) عمل به واجبات اجتماعی

۱. وجوب قصاص به منظور گسترش امنیت جانی جامعه و حیات مجدد آن: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْ بِالْحَرْ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَأَتْبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ * وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۱۷۸-۱۷۹).

۲. وصیت کردن به اموال و دارایی تا ورثه سرگذشت اموال را بدانند و باعث درگیری بین اقوام و ورثه و در نهایت، درگیر کردن خانواده‌های مؤمنان نگردد: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/ ۱۸۰).

۳. روزه گرفتن که ضامن سلامت روحی، روانی و جسمانی مردم یک جامعه است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ...﴾ (بقره / ۱۸۳-۱۸۵).

۴. تأکید بر انفاق با در نظر گرفتن تمام خصوصیات آن تا ضمن حفظ عزت مؤمنان و عدم نیاز نیازمندان به ثروت اندوزان کافر، منافق و یهود و نصاری، امنیت مالی جامعه ایمانی تضمین و اموال و ثروت‌های اضافی مؤمنان هم باعث تکاثر و زراندوزی جامعه مؤمن نشود: ﴿وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره / ۱۹۵). قرآن سپس در مورد مصادیق و متعلقات انفاق سخن می‌راند: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۱۵) و بعد در خصوص ویژگی اصلی مورد انفاق، به انفاق از بهترین‌ها سفارش می‌کند: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲). قرآن در کنار دعوت عمومی به انفاق و بخشش از اموال مؤمنان، برخی از گونه‌های انفاق مال را که از واجبات هست نیز به صورت مصداقی یادآور می‌شود: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْفُقْرَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال / ۴۱).

۵. مراقبت بر حقوق یتیمان

همان گونه که در نخستین آیات مکی مطرح شده، پس از توحید دو اقدام مهم از ویژگی‌های انسان آن زمان و آن جامعه است؛ یکی بی توجهی به ایتام و دیگری بی توجهی به مساکین و درماندگان. قرآن با عنایت خاصی که به رفع این معضل دارد، یکی از مؤلفه‌های تعالی در جامعه را توجه خاص به ایتام و نیازمندان می‌داند؛ لذا احکام برخورد و تعامل با آنان و اموالشان را به دقت متذکر می‌شود: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمَصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره / ۲۲۰).

۶. مراقبت بر نمازهای روزانه: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ * فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَلًا أَوْ رُكْبَانًا إِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۳۸-۲۳۹).

۷. انجام فریضه حج به عنوان تجمع بین‌المللی جامعه کلان مسلمانان. این فرضیه یکی از فرائضی است که ضمن ایجاد اتحاد و انسجام بین مسلمانان مناطق مختلف، باعث می‌گردد تا کانونی کارآمد تشکیل و در آن، ضمن شرکت جمعی در مناسک عبادی حج، از امورات مهم مسلمانان و حفظ کیان امت اسلامی به مراقبت بپردازند: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَاسِ الْفَقِيرَ﴾ (حج/ ۲۸-۲۷).
 هـ) تبعیت از رهبری

۱. اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ

یکی در قالب الگوگیری از سیره رسول خداست که برای جامعه مؤمنان رجوع به آن نجات بخش است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/ ۲۱) و هم منتهی بزرگ است که خداوند بر مؤمنان گذاشته و وی را به عنوان هادی، معلم علم و اخلاق و حکمت در دورانی که در تاریکی محض بودند، مبعوث نمود: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْل لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آل عمران/ ۱۶۴) و ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (تغابن/ ۱۲) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنهُ وَاتَّمَّ تَسْمَعُونَ * وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ (انفال/ ۲۰-۲۱). لازمه چنین اطاعت پذیری این است که پیامبر در هر رابطه و موضوعی، مردمش را فراخواند، آنان گوش جان فرا دهند و اوامر او را اجرایی نمایند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ * وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال/ ۲۴-۲۵)؛ لذا جامعه ایمانی از خیانت به خدا و پیامبر ﷺ بر حذر داشته شده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال/ ۲۷).

از سوی دیگر، قرآن از شخص پیامبر ﷺ به عنوان فردی خوش برخورد در روابط اجتماعی، دینی و سیاسی و مهربان یاد کرده است تا ضمن هماهنگی با فطرت انسانی که متمایل به خوبی‌هاست، رسولش را رقیب کنند و از طرفی تأثیر لازم را بر مردمش داشته باشد: ﴿فِيمَا رَحِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ

عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ (آل عمران / ۱۵۹). یک چنین روحیه‌ای می‌طلبد تا از سر انصاف و شفقت بر مردم و مؤمنان که پیرو او هستند، در امورات مربوط به آنها به مشورت با ایشان توجه نماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾. در مقابل چنین دستوری که شخص پیامبر ﷺ به آن مکلف شده، مردم هم موظف‌اند تا در همه جوانب او را محترم دارند و در هیچ زمینه‌ای از او و خدایش پیشی نگیرند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (حجرات / ۱-۲). در خصوص اهالی مدینه هم واجب می‌کند تا مبادا از پیامبر ﷺ تخلف نمایند: ﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَن حَوْلَهُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ ...﴾ (مائده / ۱۱۹)؛ چرا که او پیامبری است که فوق العاده علاقه مند به هدایت و نگران انحراف و فلاکت مردم است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ * إِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ (توبه / ۱۲۸-۱۲۹).

۲. تبعیت از نظام امامت

یکی از ویژگی‌های جامع‌ه مؤمن در حال پیشرفت، بهره‌مندی آن از نظام امامت است که در ادامه رسالت پیامبر اکرم ﷺ سکان هدایت جامع‌ه ایمانی را بر اساس نصوص قرآنی به عهده دارد. یکی از تکالیفی که در این خصوص تنها متوجه شخص نبی مکرم اسلام ﷺ است، معرفی امام پس از خود و تکمیل رسالت با این اعلان رسمی است تا به سبب آن هم دین در بخش عقائد و رهبری تکمیل شود: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَتَهُ وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده / ۶۷) و هم دشمنان اسلام که در رأس آنان کفار مکه و مدینه هستند و در آینده مخالفان اسلام خواهند بود، از اقدام پیامبر ﷺ و آیین او مأیوس و در نهایت تمامی نقشه‌های فعلی و آینده آنان در مقابله با اسلام و انهدام جامع‌ه مؤمن نقش بر آب شود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ ذِمَّتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده / ۳). چنین کسی و کسانی که این نقش را ایفا می‌کنند، از مجموعه گروه مؤمنان واقعی هستند که هم اهل اقامه نمازند

و هم زکات می‌دهند، در حالی که در رکوع‌اند. به اسناد معتبر شأن نزول این آیه مربوط به شخص امام علی علیه السلام است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِبُونَ﴾ (مائده/ ۵۶-۵۷). آیات ۶۰ و ۸۴ نساء دعوتی دیگر از مؤمنان برای رجوع به آنهاست.

۱-۳-۶. ابعاد امنیت

الف) امنیت خانواده

کانون خانواده هرگاه راهی به جز صراط مستقیم را که همان مسیر پیشرفت است، برگزیند، خداوند آن را تأیید نکرده، بلکه از عناصر آن به عنوان دشمن یاد، نموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ يَعُدُّونَ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (تغابن/ ۱۴) همچنان که دارایی‌های آن، اعم از اموال جمع شده و فرزندان خانواده را عامل آزمایش می‌داند: ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (تغابن/ ۱۵).

۱- ازدواج مومنان با پاکیزگان و همکیشان

﴿وَاتَّكِحُوا الْإِيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/ ۳۲). در مقابل، به آنها سفارش می‌کند که از غیر هم‌کیش زن نگیرند: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مُمِنَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ...﴾ (بقره/ ۲۲۱).

۲- حفظ حرمت و حقوق اعضای خانواده

الف) مراعات حال زنان: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (بقره/ ۲۲۳).

ب) انجام طلاق با رعایت آداب انسانی: ﴿وَإِن عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * وَالْمُطَلِّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...﴾ (بقره/ ۲۳۲-۲۳۷) و ﴿يَا أَيُّهَا الْعَبَّيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ...﴾ (طلاق/ ۱-۷).

ج) رعایت حق فرزندان: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا نَفْسَهَا لَا تَضَارَ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ...﴾ (بقره/ ۲۳۳).

د) مراقبت از زنان و خانواده‌های بی‌سرپرست: ﴿وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجَهَا وَصِيَّةَ لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ...﴾ (بقره/ ۲۴۰-۲۴۱) و ﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ الِلاَّتِي لَا تُوْتُوهُنَّ مَا كَتَبَ لَهُنَّ وَتَرَعُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوَالِدَانِ...﴾ (نساء/ ۱۲۷).

ه) حفظ حجاب و عفت: ﴿يَا أَيُّهَا الْعَبَّيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب/ ۵۹).

و) توجه به محرمات ازدواج: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَوُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...﴾ (نساء/ ۲۰-۲۶).

ز) حفظ کانون خانواده با تعهد به تفکیک نقش افراد در خانواده: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (نساء/ ۳۴-۳۵) و ﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ...﴾ (نساء/ ۱۲۸-۱۳۰).

ح) توجه به اقوام و حفظ حقوق و حرمت آنها: ﴿... وَأَقْبُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء/ ۱).

ط) وارد نشدن به محدوده خانواده دیگران بدون اجازه و لزوم حفظ حریم خانوادگی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ* فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ...﴾ (نور/ ۲۷-۲۹).

ب) امنیت مالی - اقتصادی

۱- مبارزه جدی با ربا خواری: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...﴾ (بقره/ ۲۷۶-۲۸۰) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* وَاتَّقُوا الْغَارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۳۰-۱۳۱).

۲- ضرورت مراقبت از مال یتیمان و مقابله با عوامل هرز رفتن اموال جامعه: ﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ (نساء/ ۲)، ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (نساء/ ۵) و ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ (نساء/ ۱۰).

۳- مراعات قانون الهی ارث و توجه به حقوق همه در آن به جهت مقابله با تکاثر و بی عدالتی: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...﴾ (نساء/ ۹۷).

۴- ادای حقوق مالی نیازمندان جامعه به جهت توزیع عادلانه ثروت و حذف نا امنی از زندگی طبقه نیازمند و جهت دهی به دارایی‌های اضافی به منظور سلامت عمومی جامعه؛ لذا قرآن ضمن اینکه از مؤمنان می‌خواهد بخل نورزند: ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (نساء/ ۳۷) و ﴿إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخَرِّجْ أَضْغَانَكُمْ﴾ (محمد/ ۳۷) اصرار دارد که افراد متولی جامعه به فکر نزدیکان خود و مساکین جامعه و کسانی که به نوعی مهمان آنان هستند، باشند و در این راه از بخشش دریغ نکنند: ﴿وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةَ أَنْ يُوْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/ ۲۲) و ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/ ۶۰)، ﴿أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (حدید/ ۷) و ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ... مِنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید/ ۱۰-۱۱). این بخشش به میزان توان افراد بستگی دارد که حتی بسیاری از مؤمنان به دلیل تقدم دیگران بر خودشان از دارایی‌های مورد نیاز خود هم می‌گذرند و در مواردی به ایثار روی می‌آورند: ﴿مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ قَلِيلٌ وَلِلرَّسُولِ وَلِئِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾ (حشر/ ۹۷) و ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ

إِلَّا جُهَدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿توبه/ ۷۹﴾، نکته قابل توجه در آیات مربوط به صدقه و کمک به دیگران، حفظ آبروی افراد جامعه مؤمن و حرمت آنان است. تا ضمن تأمین مالی آنها، امنیت عرضی و روحی - روانی برای آنها نیز تأمین شود؛ لذا توصیه شده در انفاق مال مبدا منت و آزاری متوجه آنان گردد. (ر.ک: بقره/ ۲۷۳-۲۶۰).

ج) امنیت اخلاقی

۱- مقابله خودجوش با مظاهر فساد و تباهی و عدم واگذاری آن به دیگری: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۴)، ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلْعَالَمِينَ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۱۰)، ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۱۴)، ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (توبه/ ۷۱) و ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج/ ۴۱).

۲- اجرای احکام و حدود الهی به جهت مقابله با ناهنجاریها و مفاسد: ﴿مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...﴾ (مائده/ ۳۲)، ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (مائده/ ۳۸)، ﴿وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ...﴾ (نساء/ ۱۵).

۳- پایبندی به قراردادهای اجتماعی که علاوه بر اینکه نشانگر حس مسئولیت بالا در جامعه است، زمینه پایبندی به همه تعهدات را فراهم کرده، مانع هر گونه نقض عهد و گسترش بی قانونی می شود؛ لذا وفای به عهد هم از اوصاف مؤمنین شمرده شده: ﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ (رعد/ ۲۱-۲۲ و ۲۵) و هم از آنان خواسته شده تا به عهد خود وفا کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...﴾ (مائده/ ۱).

۴- پایبندی به آداب در روابط اجتماعی، از دیگر ابعاد معیار اخلاق در امنیت اجتماعی است که عموم مؤمنان در برخوردهای روزمره و معمولی آن لازم است آنها را رعایت نمایند.

الف) سلام به اهل ایمان: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ (نساء/ ۸۶) و باز کردن جا برای مؤمنی که به مجلس مؤمنان وارد می‌شود (مجادله/ ۱۱).

ب) تبیین در مواردی که خبری از طریق غیر علم می‌رسد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ (حجرات/ ۶).
ج) اصلاح بین افراد و گروه‌های مؤمن: ﴿وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا...﴾ (حجرات/ ۹).

د) خوش زبانی و عدم مسخره مؤمنان: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان ومن لم يتب فأولئك هم الظالمون﴾ (حجرات/ ۱۱).

هـ) دوری از گمان بد نسبت به دیگر افراد جامعه مؤمن و توجه و دقت به علم در هر اظهار نظر در خصوص مؤمنان: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...﴾ (حجرات/ ۱۲).

و) عدم تجسس در کار دیگران و ترک سخن در هنگام نبود آنها: ﴿... وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ (حجرات/ ۱۲).

ز) مراقبت از چشم و نگاه به دیگران در جلسات و محافل و محل‌های عبور و مرور: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾ (نور/ ۳۰-۳۱).

ح) دوری از نجوای به گناه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالْعَقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ * إِنَّمَا الْعَجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ...﴾ (مجادله/ ۱۰-۱۱).

د) امنیت جانی

هر چند امنیت جانی به تنهایی از محورهای اجتماعی به شمار نمی‌آید، لکن حفظ امنیت افراد زمینه امنیت جامعه را فراهم ساخته و جلوی هر گونه تعدی به جان دیگران را گرفته، احساس امنیت جانی را بر کل جامعه حاکم می‌گرداند؛ لذا از نگاه قرآن نه کسی حق قتل

مؤمنی را دارد و نه قتل کسی که مؤمن نیست ولی عهد و پیمانی با او بسته شده است؛ بلکه تنها اجازه جنگ با کسانی را داده است که به حقوق دیگران تعدی می‌کنند که این، خود، عاملی بازدارنده برای جلوگیری از تکرار تعدیات و ناامنی است: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطْئًا ... وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (نساء/ ۹۲-۹۳).

از آنجا که از ویژگی‌های جامعه قبل از اسلام، خشونت و درگیری مدام و خشونت بین قبائل مختلف بوده است، قرآن ۴ ماه را به عنوان ماه‌های حرام معرفی کرد تا در آن هیچ کس حق تعرض به دیگران و جنگ را نداشته باشد، این کار به طور قطع تاکتیکی است جهت مقابله با گسترش ناامنی در جامعه: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلَمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ...﴾ (توبه/ ۳۶-۳۷).

هـ) امنیت روحی - روانی

جامعه نیازمند یک امنیت روحی - روانی است که تنها عامل کلیدی آن را باید در یاد خدا و تشکر از او و توکل بر او دانست، لذا اولاً مؤمنان کسانی هستند که معتقدند به یاد خدا دل آرام می‌گیرد: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ...﴾ (رعد/ ۲۸). ثانیاً با عبرت از آنچه خداوند در مراحل خطر به استمداد آنها می‌آید، بر خدا توکل می‌کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (مائده/ ۱۱). ثالثاً خدا را یاری می‌کنند تا یاریشان کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/ ۷).

نتیجه‌گیری

۲۰۱ شکل‌گیری مجموعه ادبیات توسعه در غرب با دو رویکرد سلطه و قالب بندی مادی، نتوانسته برنامه جامعی برای جریان پیشرفت جامعه بشری ارائه نماید؛ به همین جهت، لازم بود تا اندیشمندان و متفکران و صاحبان دغدغه در بین مسلمانان با تمسک به سیره اهل بیت علیهم‌السلام ادبیات توسعه را در قالب مفهوم پیشرفت از قرآن کریم استخراج کنند و ضمن پرداختن به مباحث مفهومی و مبانی این جریان، به بررسی شاخص‌های آن بپردازند تا بتوان برنامه‌های پیشرفت جامعه را به آنها مستند نمود. در این نوشتار اولاً با استناد قریب به بیش

از ۵۵۰ آیه قرآنی، به قرآن با رویکرد تغییر و تحول نگریسته شده و مستند کلی به سیر نزول آیات بوده است و ثانیاً در بین شاخص‌های ساختاری پیشرفت امنیت اجتماعی و همبستگی، دو شاخص مهم بودند که در جامعه شناسی جدید توسعه با رویکرد منابع انسانی مورد توجه قرار گرفته و ما هم با مراجعه به قرآن و تدوین آیات به همین دو مهم نیز دست یافتیم و چون مجال این نوشتار محدود بود، تنها متناسب با شرایط جامعه صدر اسلام به شاخص افزایش دانش فراگیر در سطح عمومی نسبت به آنچه جامعه به آن نیاز واقعی دارد، اقدام شد. بر این اساس، نتایج ذیل دست آمد:

- ۱- تئوری‌ها و نظریه‌های توسعه غربی اساساً دین‌گریز است.
- ۲- توسط این نظریه‌ها و مفاهیم رایج، امکان دستیابی جامعه به توسعه فراگیر و همه جانبه و پایدار ممکن نیست.
- ۳- به دلیل اینکه قرآن کریم علاوه بر اینکه کتاب هدایت به جهان سعادت‌مندانه اخروی است، اصول و قواعد برنامه این جهانی را نیز در عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد که بهره‌گیری از آنها راه و رسم زندگی را برای نیل به آن سعادت اخروی فراهم می‌سازد.
- ۴- از قرآن دو گونه می‌توان بهره‌برداری کرد؛ یکی به ترتیب موجود و دیگری به ترتیب نزول. محقق با مراجعه به آن بر اساس ترتیب نزول می‌تواند بین آموزه‌های آن و شرایط عمومی و بعضاً خاص فضای نزول نسبت معناداری برقرار سازد. از آنجا که جامعه صدر اسلام نمونه جامعه برای عملی سازی دستورات آن است، با در نظر گرفتن آن نسبت به سیر طرح مباحث و اصول برای عملی سازی یک اندیشه و پیشنهاد عمل، می‌توان اقدام شایسته نمود؛ لذا از آنجا که رویکرد قرآن از آغاز بر اصلاح جامعه خود و در نهایت کل جوامع هست، منطق نزول، کمک شایانی به دسترسی شیوه پیشرفت و ارتقا و تحول ارائه می‌نماید که این منطق محتوا و فضا به خوبی خود را در مراحل دو گانه پیشرفت نشان داده است.
- ۵- بنابراین مطالعه، لازم است تا در مرحله اول پیشرفت، دانش و معرفت اجتماعی مردم افزایش یابد و به آنچه باید بدانند و عمل کنند از مهم به مهم‌تر آگاهی پیدا کنند و این آگاهی‌بخشی بر خلاف دیدگاه‌ها در توسعه غربی که به یک سری دانش‌ها در عرصه مادی بسنده می‌کند، از معرفت به مبدأ هستی شروع و به محیط اجتماعی و احکام و شریعت عمل در این زندگی موقت ختم می‌شود؛ ضمن اینکه جهان ابدی در آن جایگاهی ویژه دارد و بدون در

نظر گرفتن آن نمی‌توان برنامه پیشرفت ارائه داد که اساساً در منطق قرآن سرنوشت خیر نهایی باید به آنجا ختم گردد. حال که دانش ارتقاء یافت و افراد از آنچه باید بیندیشند و عمل کنند، مطلع شدند تلاش دوم همیسته کردن و یک دست کردن جامعه برای تحقق این اندیشه است و ضرورت جلوگیری از تفرقه و تشتت تا بستر لازم برای ظرف تحقق پیشرفت فراهم گردد. از سوی دیگر، به دلیل جریان عمومی و دائم حق و باطل و رو در رو قرار گرفتن آنها به عنوان یک سنت الهی در شرایط تحقق پیشرفت همه جانبه و پایدار به فکر امنیت جامعه بود تا دستورات و اعمالی که در مرحله دانش به اطلاع مردم رسیده است، امکان عمل یابد و با کمک مردم و نیروی فعال انسانی متعبد و متعهد، زمینه‌های ناامنی مرتفع و تنها شرایط برای تحقق آرمان‌های قرآنی فراهم گردد. در این خصوص عوامل امنیت‌ساز، ابعاد امنیت و شرایط تحقق آن به عنوان شاخصی برای یک جامعه رو به تعالی، مهم قلمداد می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. باتومور، تی.بی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن منصور، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۰.
۳. بهجت پور، عبدالکریم، در آمدی بر اصول تحول فرهنگی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۴. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، بی تا، بی جا.
۷. رشیدی تبریزی، اسد، کارکرد دین، قم: تولی، ۱۳۸۶.
۸. ساروخانی، باقر، دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
۱۰. غفاری غلامرضا، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۸.
۱۱. کنیک، ساموئل، مبانی جامعه‌شناسی، ۱۳۷۵.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، قم: موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: سازمان تبلیغات، ۱۳۶۸.